رويكردهاى دينى در پايدارى منابع طبيعى (مراتع)

منصور شاهولى[1]

شيروان نورى پور سى سخت[2]

مقدمه

در سال هاى پايانى قرن بيستم، «تغيير» در تمام ابعاد زندگى بشر شدت يافت. گويى كه هر روز با دنيايى نو روبه رو هستيم و در رويارويى با اين مجموعه ناپايدار، همواره به ابزارها و آگاهى هاى جديد نيازمنديم.

بحران هاى زيست محيطى و نياز به توسعه پايدار و هم چنين نياز جامعه هاى صنعتى به استفاده از دستاوردهاى درخشان پژوهش هاى دانش بومى، از جمله تحولات اصلى جهان امروز هستند. از طرف ديگر، تفكرهاى تك بعدى و رشدگرايانه، انسان را با بحران هاى گوناگونى كه اهم آن ها بحران هاى زيست محيطى نظير نازك شدن لايه ازن، كمبود و آلودگى منابع آبى، فرسايش جنگل ها، مرتع ها و خاك هاى زراعى، شيوع امراض جديد گياهى، دامى و انسانى، گسترش بيابان ها، وقوع خشك سالى و قحطى، زمين لرزه، طوفان و سيل، مواجه ساخته است.[3]

در دنياى «پسامدرن» كنونى، براى رهايى از ناكامى هاى فوق الذكر، رويكردهاى مختلفى از قبيل توجه به دانش بومى و سنت و مذهب مطرح شده است. در اين باره «مادِر»[4] استدلال كرده است:

«اگرچه حفاظت از منابع، ريشه در فلسفه و مذهب دارد، ولى تلاش هاى اوليه براى حفاظت زمين و منابع موجود در عصر جديد، عمدتاً و تعمداً شامل توصيه هاى فنى و مشخصاً به حفاظت جنگل ها محدود بوده است.»[5]

هم چنين، براى نشان دادن گرايش هاى بين المللى به مذهب براى پايدارى و حفاظت منابع طبيعى و محيط زيست، مى توان بر پژوهش سه ساله يك هزار دانشمند درباره ارتباط دين و زيست بوم كه در مركز مطالعات اديان جهان در دانشگاه هاروارد آمريكا صورت گرفته، اشاره كرد.

در اين پژوهش، يادآورى شده است:

«اديان بايد از نيروى خود براى پايان دادن به بهره بردارى لجام گسيخته انسان از منابع طبيعى و ايجاد روحيه مسؤوليت پذيرى مشترك براى حفظ محيط زيست استفاده كنند. بدين منظور بايد رهبران مذهبى با دانشمندان، اقتصاددانان، كارشناسان آموزش و سياست گذاران همكارى كنند.»[6]

در اين باره، كلاوس تاپفر، مدير اجرايى برنامه محيط زيست سازمان ملل،[7] مى گويد:

«ما مى خواهيم درباره مسايل زيست محيطى با جهان اسلام همكارى نزديك داشته باشيم.

من اعتقاد راسخ دارم، ارزش هاى معنوى جهان اسلام، بستر مناسبى براى اجراى برنامه هاى لازم جهت حفظ آفريده هاى خدا و تنوع زيست محيطى است.[8]

در كشور ما به طور سنتى و با تكيه بر تعاليم دين اسلام، توجه به انواع موجودات زنده، حفظ منابع سرشار طبيعى و پاكيزگى محيط زيست، ارزش محسوب شده و آلوده كردن محيط زيست مورد نكوهش قرار گرفته است.[9]

از طرف ديگر، برخى در همين راستا به عوامل ديگرى نيز اشاره كرده اند، براى مثال، به دليل عدم درك عميق و همه جانبه مخاطبان در برنامه هاى زيست محيطى، ديدگاه تكنوكراتيك حاكم بوده است و اگر هم به انسان توجه كرده اند، تنها به عنوان يك توليد كننده و در راستاى همان مسايل فنى بوده و هيچ گاه به شناخت همه جانبه مخاطبان از طريق توجه به ساختار نظرات آنان كه شامل ادراكات، وجه نظرات، تمايلات و احساسات آن هاست، پرداخته نشده است.»[10]

بنابراين، با توجه به موارد بالا، براى حفظ محيط زيست نظير منابع طبيعى، دو راهبرد عمده بايد مورد توجه قرار گيرد:

1ـ توجه به عقايد و ارزش هاى دينى;

2ـ لزوم درك عميق و همه جانبه مخاطبان.

در راستاى راهبردهاى مذكور، مقاله حاضر سعى دارد تا تركيب ساختار نظرات روستاييان را با توجه به «ارزش هاى دينى» در باره محيط زيست (حفاظت، بهره بردارى و احياى مراتع)، مورد بررسى قرار دهد.

با مراجعه به مكان هاى مقدسى نظير «امامزاده ها»، كه نزد ايرانيان از تقدس و احترام برخوردارند، مى توان به دست آورد كه آيا رفتار روستاييان در حريم امامزاده ها با خارج از آن تفاوت دارد يا خير؟ اگر پاسخ مثبت است، دليل هاى آن چيست؟

مفاهيم

«طبيعت» از ماده «طبع» به معنى مجموعه پديده ها و موجوداتى است كه دست بشر در پيدايش آن ها دخالتى نداشته است. مصداق هاى بارز طبيعت عبارت اند از: زمين، آسمان، كوه، دشت، دريا، حيوان، انسان و غيره.[11]

مراتع طبيعى به زمين هايى اطلاق مى شود كه گياهان علفى خودرو آن را اشغال كرده و داراى سه ارزش عمده حفاظتى، توليدى و زيبايى اند.[12]

بنابراين، مى توان گفت مراتع، جزء طبيعت و منابع طبيعى محسوب مى شوند. علاوه بر مراتع، كويرها، بيابان ها و جنگل ها نيز جزء منابع طبيعى هستند.

براساس تعريف جامعه مرتع داران، مرتع چنين تعريف مى شود:

«كليه اراضى داراى پوشش گياهى طبيعى به نحوى كه خوراك دام از آن حاصل شود و تجديد حيات آن به طور طبيعى انجام پذيرد. هم چنين، آن قسمت از اراضى كه براى كمك به تجديد حيات پوشش گياهى طبيعى آن، به نحوى از انحاء بشر دخالت كرده است و پس از اين دخالت آن را همانند ساير مراتع طبيعى اداره مى كند، مراتع ناميده مى شود.»[13]

با توجه به اين كه در اين پژوهش مفاهيم ديگرى از قبيل ساختار نظرات (ادراكات، وجه نظرات، تمايلات و احساسات) و ارزش ها مطرح شده اند، اين مفاهيم را نيز به صورت اجمالى مورد بررسى قرار مى دهيم:

ادراكات، جمع ادراك[14] است كه فرهنگ فارسى معين، آن را دريافتن، فهم كردن، حصول صورت اشيا نزد عقل يا نفس ناطقه و عبارت از حصول صور مدركات نزد مدرك، معنى كرده است.

احساسات نيز جمع احساس[15] است كه آگاه شدن، درك چيزى با حواس، معنى شده است. علاوه بر اين، معنى ديگر آن اين است كه، عوامل خارجى روى بدن تأثير كرده، در آن تغييراتى مى دهند كه اين تغييرات بدنى، در نفس انعكاس مى يابند كه احساس نام دارد.[16] هنگامى كه يكى از دستگاه هاى حسى ما محرك معينى را دريافت مى كند، مثلاً وقتى كه چشم ما نور را اخذ مى كند، احساس صورت گرفته است.

بنابراين، احساس يعنى قرار گرفتن يك محرك در حوزه عمل عضو حسى مربوط به آن، حال اگر به شىء احساس شده معنا و مفهوم بدهيم، در آن صورت خواهيم گفت كه ادراك حاصل شده است.[17] در اين باره مى توان به مفهوم هوش عاطفى نيز اشاره كرد. احساسات نيرومند مى توانند سبب شوند تا افراد به راهكارهاى جديدى دست يابند يا انتخاب بهترى كنند. عواطف عميق چه بسا باعث شوند كه تفكر انسان جنبه عقلى و عمق بيشترى بيابد.

هوش عاطفى، يعنى هوش ناشى از عواطف نيرومند، چه بسا در واقع آن چيزى است كه باعث تصميمى معمولى و يا يك نوآورى درخشان مى شود. هوش عاطفى اين امكان را به ما مى دهد كه با خلاقيت بيشترى بينديشيم و از عواطف خود براى حل مشكلات بهره گيريم.[18]

گرايش (تمايل)،[19] به مجموعه اى از باورها اشاره دارد كه به موضوع يا موضع خاص وابسته است. تمايل (گرايش) معيارى براى جهت دهى عمل و تحقق ذات است. تمايل، معمولاً با ترجيهات عملى كه مستلزم وجوب يا الزام باشد در ارتباط است.[20]

تمايل به انديشيدن به طريقى خاص درباره يك پديده را نگرش[21] (وجه نظر) گويند. نگرش طى سال هاى متمادى خلق و از طريق تجربه تثبيت مى گردد. بنابراين، براى تغيير وجه نظر، مسأله اصلى، تغيير محيط و شرايط قبلى است و عواملى از قبيل تشويق، به تنهايى كفايت نمى كنند.[22]

ارزش ها،[23] معيارهايى براى صدور احكام فرد بر ميزان مناسبت رفتار است و رويكردهاى فرد به سوى عمل و فعل را تعيين مى كنند كه گاهى روشن است و از خلال تعبير لفظى فرد بر آن استدلال مى گردد و گاهى ضمنى يا پنهان بوده و از خلال رفتار فرد بر آن استدلال مى شود. بنابراين، ارزش ها در رشته هاى تخصصى مانند اقتصاد، فلسفه، دين، جامعه شناسى و روان شناسى تعريف خاص خود را دارد كه در اين جا به تناسب موضوع پژوهش، ارزش را در حوزه دين و جامعه شناسى تعريف مى كنيم. در حوزه دين، «اعمال دنيا بر حسب نتيجه شان در آخرت ارزيابى مى شوند و ارزش اشيا، از جهت حسن و قبح افعالى است كه براى آدمى به دست مى آيد». در حيطه جامعه شناسى، عبارت است از:

«معيارى براى گزينش، از ميان ابزار يا امكانات اجتماعى كه براى فرد آماده و مهيا شده و با موقعيت اجتماعى وى منطبق است. چنين معيارى كه شخص اقامه مى كند، با آگاهى اجتماعى و درك وى از امور و عوامل تأثيرگذار اجتماعى ـ اقتصادى كه شخص يا طبقه اجتماعى وابسته به او را احاطه كرده و با جامعه يا شرايط تاريخى، اقتصادى و اجتماعى كه در آن زندگى مى كند، در ارتباط است. گزينش، روشى عقلانى ـ معرفتى است كه شخص در آن به همانندسازى و مقايسه اشيا در پرتو معيارى كه براى خود وضع نموده و با شرايط اجتماعى و اقتصادى وى تعريف مى گردد، مى پردازد.»[24]

اهميت مراتع

وسعت منابع طبيعى تجديد شونده كشور (جنگل، مرتع، كوير و بيابان) حدود 135 ميليون هكتار است. از اين ميزان، 12 ميليون هكتار به جنگل و 90 ميليون هكتار به مرتع اختصاص دارد و مابقى، كويرها و بيابان ها را شامل مى شود. از اين مراتع بيش از 70 ميليون واحد دامى تغذيه مى كنند. از 90 ميليون هكتار مرتع فقط حدود 15 ـ 16 ميليون هكتار مرتع درجه يك است كه ميزان توليد علوفه آن بيش از 500 كيلوگرم در هكتار است. بقيه مراتع به علت چراى بى رويه به مراتع درجه 2 يا حتى 3 تبديل شده اند.[25]

حال به بررسى اجمالى منابع طبيعى خاك و مرتع مى پردازيم:

خاك

پنجاه ميليون هكتار از خاك كشور، كوير و بالغ بر پنج ميليون هكتار نيز به صورت تپه هاى شنى و متحرك است.

بيش از 12 ميليون هكتار از زمين هاى كشور را شن زارها پوشانده و سالانه حدود 100 هزار هكتار از مراتع كشور به دلايل مختلف به سوى بيابانى شدن سوق پيدا مى كنند.

طبق اعلام سازمان ملل، ايران در منطقه خشك و نيمه خشك قرار دارد و سالانه حدود 10% از خاك آن دچار فرسايش مى شود.

در سال 1350، يك ميليارد تن، در سال 1360، 5/1 ميليارد تن و در سال 1370، 5/2 ميليارد تن فرسايش خاك در كشور وجود داشته است. اگر قيمت مواد غذايى درون خاك را محاسبه و با كشورهاى پيشرفته مقايسه كنيم، سالانه حدود 6/7 ميليارد دلار مواد غذايى خاك را از دست مى دهيم. اين شاخص در آمريكا، در سال 1974، 2/1 ميليارد دلار بوده است.[26]

مراتع

در سى سال گذشته، تعداد سيل هاى مهم دو برابر شده است. براى مثال، از سال 1361 تا 1365 ش. وقوع 201 مورد سيلاب و از 1366 تا 1370 ش. نيز 280 مورد سيلاب وجود داشته است كه نشان دهنده 40 درصد رشد در وقوع سيل در كشور و از دست رفتن پوشش گياهى است. قريب 60 درصد از سطح كشور را مراتع طبيعى تشكيل مى دهد، كه از اين ميزان، حدود 5/15 درصد از آن جزء مراتع نسبتاً خوب تا متوسط و 6/66 درصد نيز جزء مراتع متوسط و ضعيف است و بقيه مراتع، كويرى و بيابانى است.[27]

به طور كلى، مى توان مراتع را از لحاظ پوشش گياهى به سه دسته تقسيم كرد.[28]

1ـ مراتع علفى با وضعيت تقريباً خوب تا متوسط، حدود 14 ميليون هكتار وسعت دارند و بيشتر در مناطق كوهستانى و از نظر اقليمى در شرايط خوبى قرار دارند.

2ـ مراتع بوته زار با وضعيت تقريباً ضعيف تا متوسط، كه 60 ميليون هكتار وسعت دارند و بيشتر آن ها در مناطق نيمه استپى با بارندگى كمتر از 200 ميلى متر قرار دارند. قسمت عمده علوفه مورد استفاده، مربوط به اين نوع مراتع است.

3ـ مراتع كويرى و بيابانى، كه حدود 16 ميليون هكتار وسعت دارند و در مناطقى كه بارندگى سالانه آن ها كمتر از 100 ميلى متر است، واقع شده اند.

گياهان غالب در مراتع، عموماً مشتمل بر گندميان يا شبه گندميان،[29] پهن برگان علفى و يا بوته هاست كه براى انواع دام ها مناسب است. مراتع، شامل علف زارها و بوته زارهاى طبيعى، جوامع گياهى بيابان هاى خشك، ساوان،[30] توندرا، ارتفاعات كوهستانى، مرداب هاى ساحلى و چمن زارهاى كف دره مى گردند.[31]

كاربردهاى مراتع

مراتع طبيعى كشور از جهت هاى گوناگونى حايز اهميت اند كه برخى از آن ها عبارت اند از:[32]

1ـ محلى براى چراى دام و تأمين مواد غذايى. قسمت اعظم غذاى دام هاى ايران از مراتع تأمين مى شود;

هينز،[33] كارشناس هيأت عمران بين الملل اظهار مى دارد كه 88 درصد از غذاى دام هاى ايران از علوفه طبيعى موجود در سطح مراتع به دست مى آيد.

2ـ حفاظت از خاك و آب. پوشش گياهى انبوه، هم جلوى حركت آب ها، به خصوص در شيب ها را مى گيرد و هم ذرات خاك توسط ريشه هاى گياهان بيشتر به هم متصل مى شوند. بنابراين، بروز سيلاب ها و فرسايش نيز كمتر مى شود;

3ـ تأمين مواد سوختنى. اين كاربرد براى روستاييان و عشاير حايز اهميت است. براى برخى از دامداران، استفاده از اين مواد به اندازه اى مهم است كه بدون آن ها زندگى روزمره براى آنان خيلى مشكل است;

4ـ تأمين مصالح ساختمانى و رفاهى. در مناطق خشك، خانه ها به صورت كامل از اين وسايل درست مى شوند كه شامل سكونت گاه هايى از جنس گياه است، مانند چپر يا كپر، خارخون (خارخانه) و كتوك;

5ـ تأمين مواد صنعتى و دارويى. از گياهان مواد مختلفى استخراج مى شود; مثلاً از گون، كتيرا تهيه مى شود يا در گذشته از بوته هاى اشلن (اشنان) كه در مناطق كويرى مى رويند، ماده اى به نام قليا مى گرفتند. گياه باريجه كه از آن شيره باريجه تهيه مى شود (نيروبخش، ضد تشنج، داراى خاصيت چسبندگى و بى رنگى) از اين دسته است.

به طور كلى، برخى توليدات فرعى مرتع را مى توان شامل موارد زير دانست: كتيرا، وشا، باريجه، انغوزه، انگبين، شيرين بيان، آويشن و زيره سياه;[34]

6ـ پرورش حيات وحش. نابودى مراتع طبيعى باعث از بين رفتن حيواناتى كه از آن ها تغذيه مى كنند، مانند آهو و گوزن، مى شود;

7ـ تلطيف هوا و زيبايى. گياهان سبز گازهاى سمى هوا مثل Co2 را جذب مى كنند و هم چنين سرسبزى و طراوت آن ها براى انسان ها شادابى و نشاط به همراه دارد.

روند تخريب مراتع

تخريب جنگل ها منجر به كاهش هشداردهنده مقدار O2، Co2، N و لايه ازن مى شود. ضعيف شدن لايه ازن و رسيدن اشعه كيهانى ماوراء بنفش به زمين، خطر نابودى براى تمام موجودات را به همراه دارد. تنها در مدت 50 سال، نه درصد از زمين هاى سياره زمين به كوير تبديل شده است. علاوه بر اين، هر ساله بيش از 7 ميليون هكتار زمين بدين طريق از دست مى رود.[35]

صاحب نظران، ديدگاه هاى مختلفى در مورد بيابانى شدن زمين ابراز كرده اند. دقيق ترين آن ها نظريه دكتر «دركنه» از دانشگاه فنى تگزاس است.

وى اعتقاد دارد هر ساله بيش از 2/20 ميليون هكتار زمين هاى مرتعى و زمين هاى كشاورزى در سراسر زمين به بيابان تبديل مى شود كه اين امر بر توليدات كشاورزى به ميزان 26 ميليارد دلار ضرر اقتصادى وارد مى سازد.[36]

در مورد جنگل هاى رشته كوه هاى زاگرس، وسعت جنگل ها به كمتر از يك دهم وسعت آن ها در دوره قبل از جنگ جهانى دوم رسيده است. نياز به زمين هاى بيشتر، مصرف مواد غذايى خاك و ضايعات فعاليت هاى خدماتى و صنعتى از جمله عوامل اصلى تخريب محيط زيست هستند.[37]

مبانى نظرى پژوهش

مباحث صفحات قبل، به خوبى اهميت و ارزش منابع طبيعى، به ويژه مراتع را نشان مى دهند. لزوم حفظ محيط زيست و منابع طبيعى در عصر كنونى تا اندازه اى حايز اهميت است كه در دهه 1970 م در تعريف «توسعه»،[38] بازنگرى هاى اساسى به وجود آمد كه با در نظر گرفتن حفظ محيط زيست و منابع طبيعى و هم چنين منافع آيندگان، به «توسعه پايدار»[39] تبديل گرديد.

بر همين اساس، در راستاى جلوگيرى از تخريب ها و بحران هاى موجود و اصلاح آن ها راهكارها و نظريه هاى مختلفى ابراز شد، ولى متأسفانه اكنون با گذشت حدود سه دهه، ناكارآيى اين راهكارها آشكار شده است.

عوامل مؤثر در اين امر را مى توان به دو دسته تقسيم كرد:

1ـ ناكارآيى راهكارها و رهيافت هاى پيشنهادى به علت نارسايى آن ها;

2ـ سهل انگارى و عدم توجه كافى به محيط زيست و منابع طبيعى.

ناكارآيى راهكارها و رهيافت هاى پيشنهادى به علت نارسايى آن ها، خود به دليل هاى زير بوده است:

الف ـ در كشورهاى توسعه نيافته كه ساختارها به صورت متمركز است، مشاركت ندادن مخاطبان در طرح هاى حفاظت منابع، باعث تطابق نداشتن برنامه ها با نيازها و شرايط مخاطبان و پايين آمدن ضمانت اجرايى آن ها شده است;

ب ـ در برنامه هاى حفاظت منابع، ديدگاه فنى حاكم بوده است. اگر هم به انسان توجه شده، تنها به عنوان توليدكننده و در راستاى مسايل فنى بوده و هيچ گاه به شناخت همه جانبه مخاطبان از طريق توجه به ساختار نظريه هاى آنان كه شامل ادراكات، وجه نظرات، تمايلات و احساسات آن هاست، پرداخته نشده است;[40]

ج ـ نتايج تحقيقات نشان مى دهند كه در عرصه منابع طبيعى براى حفاظت، منابع مكتوب نظير مجلات و روزنامه ها و هم چنين بازديد از مناطق، نسبت به گوش دادن به راديو و تلويزيون اهميت بيشترى دارند. اگرچه، راديو و تلويزيون تأثيرات منفى نيز بر تصميمات مربوط به حفاظت خاك داشته اند، ولى وسايل ارتباطى به كار گرفته شده در اين امر كماكان راديو و تلويزيون بوده است;[41]

د ـ ناهماهنگى در سازمان هاى دست اندركار منابع طبيعى، بسيار مشكل آفرين شده است.

سهل انگارى ها و توجه ناكافى به منابع طبيعى باعث شده است تا وسايل ارتباطى به ويژه راديو و تلويزيون، بيشتر در خدمت كشاورزى باشند تا فعاليت هاى دامدارى، مرتع دارى يا جنگل دارى. احتمالاً يكى از دليل هاى آن اين است كه دولت مردان، تهيه غذاى انرژى زا براى مردم را بيشتر مورد توجه قرار مى دهند تا تهيه غذاى پروتيين دار مورد نياز آن ها را.

بديهى است در صورتى كه شق اخير مورد توجه مسؤولان قرار گيرد، ضرورى است تا وسايل ارتباطى به فعاليت هاى دامدارى، مرتع دارى و جنگل دارى نيز توجه كند.[42]

صاحب نظران پيشنهاد مى كنند نظام كنونى كشاورزى كه بر به كارگيرى هر چه بيشتر فن آورى و بهرهورى از طبيعت تأكيد دارد، با نظامى كه اصول آن بر به كارگيرى هر چه كمتر نهادهاست، جايگزين شود. اين نگرش نوين كه بر حفظ محيط زيست و پايدار نمودن آن براى استفاده نسل هاى آينده تأكـيد دارد، راه حـل رسيدن به اين نظـام را تغيير در رابطـه بين انسان و طبيعت اعلام مى نمايد.[43]

مشكل مذكور هم ناشى از عدم درك صحيح طبيعت و هم عدم درك صحيح انسان ها، توسط كارشناسان كشاورزى و منابع طبيعى است. توجه به محيط زيست، بخشى از واقعيت است و بخش قابل توجه ديگر «ادراكات»، «وجه نظرات» و «تمايلات» مخاطبان براى درك عميق و همه جانبه آن هاست.[44]

در كنار موارد بالا، همان گونه كه در مقدمه نيز اشاره شد، براى حل بحران هاى زيست محيطى، توجه جامعه بين المللى به دين و مذهب معطوف شده است. به علاوه، بيانيه هزاره سازمان ملل كه به تصويب بزرگ ترين همايش رهبران جهان در تاريخ رسيد، شامل تعهدات مهمى براى مراقبت از محيط زيست، از جمله پيشگيرى از گرم شدن زمين است.

در اين بيانيه خاطر نشان شده است: 20 درصد از جمعيت جهان اكنون به آب آشاميدنى سالم دسترسى ندارند و هزاران نفر از آلودگى آب و هوا رنج مى برند. براساس اين بيانيه، تا سال 2002، بايد انتشار گازهاى آلاينده لايه ازن متوقف شود و اقدامات همه جانبه و پايدار براى مراقبت از جنگل ها به عمل آيد.[45]

فرانچسكو باستالى، هماهنگ كننده مقيم سازمان ملل متحد در جمهورى اسلامى ايران، نيز بر اين باور است كه ادراك ها و برخوردها با محيط زيست و بهره گيرى و ارزش گذارى ها نسبت به منابع طبيعى، تحت تأثير ادراكات مذهبى ما و آنچه مذهب از ما مى خواهد كه انجام دهيم يا امتناع ورزيم، قرار دارد.[46]

به همين دليل، پژوهش حاضر، درصدد بررسى نقش «ارزش ها» و «عقايد» در تركيب ساختار نظرات و رفتار روستاييان نسبت به پايدارى مراتع است. براى اين منظور، از الگوى تحليل ساختار نظرات[47] استفاده شده است.

نگاره 1: الگوى تحليل ساختار نظرات

(اقتباس از Shahvali , 1994 P: 58 و شاه ولى، 1377 الف، ص: 637)

رفتار→ تمايلات → احساسات → نگرش / ادراك → ارزش ها

(محرك)

روش تحقيق

1ـ اهداف تحقيق

هدف كلى اين پژوهش عبارت است از «بررسى نقش ارزش هاى دينى در ساختار نظريه هاى روستاييان نسبت به مراتع».

اهداف جزيى كه در اين پژوهش دنبال مى شوند عبارت اند از:

ـ نحوه ارتباط ارزش ها با تركيب ساختار نظريه هاى روستاييان در هر يك از امور بهره بردارى، حفاظت و احياى مراتع چگونه است؟

ـ در تركيب ساختار نظريه ها، كدام جزء در تعيين رفتار روستاييان نسبت به مراتع اهميت بيشترى دارد؟

2ـ روش جمع آورى داده ها

براى جمع آورى داده ها، از روش مصاحبه نيمه ساختارى (فردى و گروهى) استفاده شد. با مطالعه مباحث مرتبط با بهره بردارى، حفاظت و احياى مراتع، پرسش ها به صورت باز تنظيم شده، در هنگام مصاحبه نيز به تناسب شرايط و مباحث مطرح شده، پرسش هايى به آن ها اضافه شدند. پرسش هاى اصلى و برخى پرسش هاى ديگر كه در حين مصاحبه به آن ها اضافه شده اند، در پيوست شماره يك آمده اند. جدول (1) نيز ويژگى هاى روش جمع آورى داده ها و جمعيت مورد مطالعه را نشان مى دهد.

جدول 1: ويژگى هاى روش جمع آورى داده ها و جمعيت مورد مطالعه

امامزاده ها

امامزاده شهيد امامزاده محمد امامزاده قاسم امامزاده حسن مجموع جمع كل

مصاحبه شوندگان (نفر) زوار غيربومى 3 5 4 ــ 12 31

ساكن (بومى) 5 6 2 6 19

نوع مصاحبه فردى 5 ــ 2 2 9 16

گروهى 1 3 1 2 7

زمان مصاحبه (دقيقه) فردى 44 ــ 20 21 85 255

گروهى 19 88 25 38 170

3ـ مكان پژوهش

مكان هاى مورد نظر براى پژوهش، امامزاده هاست. امامزاده ها در بين ايرانيان به محلى گفته مى شود كه فرزندان يا اخلاف پيشوايان دينى به خصوص پيامبر و امامان معصوم ـ عليهم السلام ـ پس از مرگ در آن جا دفن شده اند. اين مكان ها براى شيعيان مانند مكان هاى ديگر از قبيل مسجدها مقدس هستند و معمولاً افراد، براى طواف مرقد و توسل جستن به آنان براى شفاى بيماران، رفع گرفتارى ها و مشكلات به زيارت آنان به صورت مداوم مبادرت مىورزند. در طول دوران هاى گذشته، امامزاده هايى كه كراماتى از قبيل شفاى مريضان و رفع گرفتارى ها و مشكلات با توسل به آنان حاصل شده است، از اهميت و اعتقاد بالاترى نزد مردم برخوردارند.

براى انجام اين پژوهش، تعداد دو امامزاده در استان فارس و دو امامزاده در استان كهيلويه و بوير احمد در نظر گرفته شدند كه داراى ويژگى هاى زير باشند:

الف ـ داراى وضعيت طبيعى باشند و ارگان هايى از قبيل سازمان اوقاف و امور خيريه، اقدامات اصلاحى و زيربنايى نظير محوطه سازى و حصاركشى براى آن ها انجام نداده باشند.

ب ـ در مناطق روستايى باشند، به نحوى كه كشاورزان و دام پروران با آنان ارتباط دايمى داشته باشند و علاوه بر اين، در مسير چراى دام ها باشند.

در اين پژوهش چهار امام زاده، مورد مطالعه قرار گرفتند كه به ترتيب عبارت اند از:

1ـ امامزاده شهيد كه در گويش محلى به «آقام شهيد» معروف است;

2ـ «امامزاده سيد محمد»;

3ـ «امامزاده قاسم» معروف به شاه قاسم;

4ـ «امامزاده حسن» كه در گويش محلى به «شاه حسن» معروف است.

امامزاده هاى اول و دوم در استان فارس و سوم و چهارم در استان كهيلويه و بويراحمد واقع شده اند كه مشخصات كامل آنان به ترتيب در پايان مقاله آمده است.

به دليل اين كه در اين تحقيق از دو محدوده به نام هاى «حريم امام زاده» و «خارج از حريم امام زاده» نام برده شده است، حريم امام زاده را تعريف مى كنيم:

«حريم امام زاده به آن زمين هايى اطلاق مى شود كه در اطراف امام زاده قرار دارد و متعلق به امام زاده و مورد استفاده زوار آن است. محدوده اين حريم ممكن است از طريق عرف مشخص شود و مورد استفاده زوار قرار گيرد، يا از طرف نهادهاى ذيربط مشخص شده باشد. براى مثال، حريم امام زاده سيد محمد ـ عليه السلام ـ ، محدوده اى به ابعاد 500 متر در 500 متر در اطراف آن است كه از طرف سازمان منابع طبيعى به آن واگذار شده است.»

4ـ جامعه مورد مطالعه

با توجه به شرايط مكان هاى مورد مطالعه، جمعيت مورد نظر براى انجام پژوهش عمدتاً شامل دو گروه زير بوده اند:

1ـ ساكنان محل كه در ارتباط دايمى با امام زاده هستند، به ويژه آن هايى كه به كار دامپرورى مشغول بوده و دام خود را براى چرا به صحرا مى برند;

2ـ زايرانى كه از مكان هاى ديگر به غير از محل، براى زيارت امام زاده به آن جا مى آيند.

تعداد افراد مورد مصاحبه در جدول شماره يك، ذكر شده است كه البته، بيشتر آنان ساكنان محل بوده اند. 26 نفر از آنان ساكن روستاها و بقيه ساكن شهرهاى كوچك (مركز بخش) بودند. مشخصات مربوط به سطح سواد مصاحبه شوندگان در جدول دو نشان داده شده است.

جدول 2: مشخصات سطح سواد مصاحبه شوندگان

سطح سواد بى سواد ابتدايى راهنمايى متوسطه عالى مجموع

تعداد 14 5 4 6 2 31

5ـ تجزيه و تحليل اطلاعات

به اين دليل كه ارايه هر كلمه توسط هر فرد، نه به صورت خطى بلكه طى يك فرآيند جداسازى و انتخاب به صورت همزمان در مغز صورت مى گيرد، از اين رو، پردازش و تفسير داده هاى جمع آورى شده، به «روش مغزى»[48] انجام گرفت. در بهره گيرى از اين روش لازم است براى درك عميق ديدگاه افراد، به همان طريقى كه مغز كلمات را شناسايى، انتخاب و سازماندهى مى كند و كلمات انتخاب شده را پس از ملاحظه ارتباط چند جانبه آن ها با يكديگر براى بيان مقصود خود ارايه مى كند، مورد ملاحظه قرار دهيم. اين روش براى پردازش و تفسير مطالب حاصل از سخنرانى، مطالب كلاس درس و هر جايى كه عقايد و ديدگاه بيان مى شود، مورد استفاده قرار مى گيرد.

طى سال ها چنين تصور مى شد كه مغز انسان به صورت خطى عمل مى كند. اما شواهد موجود نشان مى دهند كه مغز انسان چند بعدى است و در فعاليت هاى خود، الگوها و طرح هاى ارتباطى متعددى به وجود مى آورد. در چنين حالتى، مغز تنها كلمات را به صورت خطى مرتب نمى كند; زيرا در طول هر گفت و گويى، يك فرآيند مداوم شامل انتخاب و جور كردن كلمات در مغز ما رخ مى دهد، و بين آن ها يك ارتباط به وجود مى آيد. بدين معنى كه كلمات و نظرها به وجود آمده و با يكديگر ارتباط برقرار مى كنند تا از اين طريق يك مفهوم ساخته شود و با شنونده ارتباط برقرار شود. بدين ترتيب، شنونده تنها ثبت كننده لغات نيست، بلكه او معنى هر كلمه را در محيطى از كلمات ديگر درك كرده، بين آن ها ارتباط برقرار مى كند تا يك مفهوم درك شود. در اين فرآيند، او به هر كلمه، از جنبه هاى مختلف و به وسيله اطلاعات قبلى خود تجزيه و تحليل، كدگذارى و نقد آن ها توجه مى كند.

با توجه به مطالب بالا و الگوى مورد استفاده در اين پژوهش، داده ها واكاوى شدند كه در بخش يافته ها، ارايه مى شوند.

يافته ها

يافته هاى اين تحقيق شامل موارد متعددى هستند كه به ترتيب عبارت اند از:

1ـ مقايسه كيفيت مراتع حريم امام زاده و كيفيت مراتع خارج از آن توسط كارشناسان

براساس نظر كارشناسان مربوط،[49] براساس تراكم، كلاس (درجه) مراتع در حريم امام زاده و خارج از آن با هم متفاوت اند. اين مورد نيز در جدول 3 آورده شده است.

جدول 3: مقايسه مراتع داخل و خارج از حريم امام زاده

امام زاده ها امام زاده شهيد امام زاده محمد امام زاده قاسم امام زاده حسن

كيفيت داخل حريم متوسط متوسط خوب خوب

خارج از حريم ضعيف تقريباً ضعيف متوسط متوسط

كلاس داخل حريم 2 2 1 2

خارج از حريم 4 4 3 4

كلاس (درجه) مراتع با توجه به ميزان پوشش گياهى آن ها مشخص مى شوند كه كلاس 1، 2، 3 و 4 به ترتيب به مراتع با سطح پوشش گياهى 100 درصد، 80 درصد، 50 درصد و كمتر از 50 درصد نسبت داده مى شود. كيفيت مراتع نيز با توجه به ميزان علوفه خشك توليدى در سال بر حسب كيلوگرم معين مى شود. اين رقم براى مراتع خوب، متوسط، ضعيف و خيلى ضعيف به ترتيب 450 كيلوگرم، 150 كيلوگرم و حدود 30 كيلوگرم و كمتر در سال است. كيفيت و درجه مراتع به ترتيب فوق الذكر، با هم متناظر هستند.

مصاحبه شوندگان نيز، تقريباً در همه موارد (چهار امام زاده) كيفيت خوب تا متوسط را براى حريم امام زاده و كيفيت متوسط تا ضعيف (بيشتر ضعيف) را براى خارج از حريم، معرفى كردند.

2ـ انواع استفاده از مراتع

تمامى مصاحبه شوندگان (100 درصد) استفاده از مراتع را به عنوان محلى براى چراى دام نام بردند. علاوه بر اين، به ديگر استفاده و كاربردهاى مراتع نظير تلطيف هوا و زيبايى (شش نفر، 3/19 درصد)، حفاظت آب و خاك (دو نفر، 4/6 درصد)، تأمين مواد سوختنى (دو نفر، 4/6 درصد)، تأمين مصالح ساختمانى و رفاهى (يك نفر، 2/3 درصد) و تأمين مواد صنعتى و دارويى (يك نفر، 2/3 درصد) نيز اشاره كردند.

3ـ روند حاكم بر مراتع و وضعيت كلى آن ها در كشور، از نظر مصاحبه شوندگان

بيشتر افراد مصاحبه شونده اعتقاد داشتند مراتع و منابع طبيعى كشور از كيفيت (تراكم) مطلوبى برخوردار و روند آن ها نيز رو به بهبود است. فقط سه نفر اعتقاد داشتند كه كيفيت آن ها در سطح پايين است و روند رو به افولى دارند، دو نفر نيز معتقد بودند كه كيفيت، متوسط و روند رو به رشدى داشته است و دو نفر هم اعتقاد داشتند كه كيفيت، متوسط و روند، رو به افول بوده است.

4ـ بهره بردارى از مراتع

در مورد اقدام به بهره بردارى از مراتع با انجام اعمالى از قبيل قطع درختان يا بوته ها، بيشتر افراد اظهار داشتند كه حريم امام زاده با خارج از آن تفاوت دارد و در حريم امام زاده به اين كار مبادرت نمى كنند، فقط دو نفر يعنى 4/6 درصد افراد بيان كردند كه از لحاظ قطع رستنى ها، محدوده امام زاده يا خارج از آن تفاوتى برايشان ندارد و هرگاه لازم داشته باشند به اين كار اقدام مى كنند. مصاحبه شوندگان دسته اول براى تفاوت بين اين دو محدوده دليل هايى ذكر كردند كه عبارت اند از:

ـ امام زاده محيط مقدس و مورد احترام است. بنابراين، نبايد سرسبزى و طراوت آن را از بين برد (21 نفر، 7/67 درصد).

ـ قطع درختان در حريم امام زاده گناه دارد يا مستوجب عقوبت است (شش نفر، 3/19 درصد).

ـ بهتر است حتى الامكان از قطع درختان حريم امام زاده خوددارى كنيم (سه نفر، 6/9 درصد).

ـ حريم امام زاده مكان عمومى و مورد استفاده مردم است، بنابراين قطع درختان آن جايز نيست (هشت نفر، 6/25 درصد).

ـ حريم امام زاده هم مكان مقدس و هم عمومى است (18 نفر، 3/58 درصد).

5ـ حفاظت از مراتع

تمام افراد ساكن در محل، جلوگيرى از ورود دام به حريم امام زاده را در امر حفاظت از حريم آن بيان كردند. هم چنين تمامى افراد غيربومى (زوار)، عقيده داشتند كه بهتر است دام ها وارد حريم امام زاده نشوند و اگر ما در اين محل ساكن و مشغول به دام پرورى مى بوديم، اجازه ورود به حريم امام زاده را به دام ها نمى داديم.

يافته هاى بيشتر در اين باره شامل موارد زير است:

ـ از ورود دام ها به حريم امام زاده جلوگيرى مى كنيم (تمام افراد ساكن، 19 نفر، 2/61 درصد).

ـ حريم امام زاده مكان مقدس و با ارزش است. بنابراين، دام ها و ديگر حيوانات نبايد به آن وارد شوند (19 نفر، 2/61 درصد).

ـ حريم امام زاده مكان عمومى مورد استفاده همگان است، بنابراين بايد از آسيب رساندن دام ها به آن محافظت شود (هشت نفر، 6/25 درصد).

ـ بهتر است مانع ورود دام ها به حريم امام زاده شويم، اگر ما در اين محل ساكن بوديم، چنين عمل مى كرديم (تمام زوار، 12 نفر، 7/38 درصد).

ـ خسارت رساندن به گياه سبز، كار درستى نيست (چهار نفر، 8/12 درصد).

ـ حريم امام زاده مكان مقدس و پاك است. بنابراين، ورود دام به آن گناه است، يا موجب عقوبت مى شود (7 نفر، 5/22 درصد).

6ـ احياى مراتع

براى احياى مراتع، به صورت كاشت نهال، تفاوت كاشت نهال در حريم امام زاده و خارج از آن و ترجيهات مصاحبه شوندگان در اين باره، از آنان پرسش شد كه يافته هاى آن عبارت اند از:

ـ در زمين، باغچه يا باغ خودمان اقدام به كاشت نهال كرده ايم (28 نفر، 90 درصد).

ـ در حريم امام زاده اقدام به كاشت نهال كرده ايم (هشت نفر، 25 درصد).

ـ كاشت نهال در حريم امام زاده و بيرون آن چندان تفاوتى ندارد (يك نفر، 2/3 درصد).

ـ بهتر است نهال در جايى كاشته شود كه استفاده بيشترى دارد (يك نفر، 2/3 درصد).

ـ به دليل مقدس بودن حريم امام زاده، بهتر است كه نهال را در اين قسمت بكاريم (20 نفر، 5/64 درصد).

ـ به دليل اين كه امام زاده مكان عمومى است، حريم آن را براى كاشت نهال ترجيح مى دهيم (9 نفر، 29 درصد).

ـ كسانى كه در حريم امام زاده اقدام به كاشت نهال كرده بودند، تنها خادمان يا مراقبان آن بودند.

ـ تمامى زوار و 11 نفر از ساكنان محل، اظهار داشتند، به اين علت كه درخت كارى فصل مشخصى دارد، ما هم ارتباط دايمى با امام زاده نداريم، تاكنون در اين محيط اقدام به كاشت نهال نكرده ايم.

ـ اگر بخواهيم نهال بكاريم، حريم امام زاده را بر خارج از آن ترجيح مى دهيم (29 نفر، 5/93 درصد).

7ـ همه افراد، تفاوت هاى رفتارى بالا را به دليل اعتقاد خودشان و نه به خاطر وجود عوامل بيرونى مثل خادمان يا مراقبان امام زاده، مى دانستند.

8ـ دليل تفاوت حريم امام زاده با بقيه نقاط

كسانى كه رفتارشان در حريم امام زاده و خارج از آن تفاوت داشت، دو دليل عمده براى آن نام بردند:

ـ اعتقاد، ارزش و احترام نسبت به امام زاده (همه افراد، 100 درصد).

ـ هجده نفر (3/58 درصد)، علاوه بر موارد بالا، به اين مسأله نيز اشاره كردند كه امام زاده مكان عمومى است و مورد استفاده عموم (زوار) قرار مى گيرد. بنابراين، ارزش و احترام خاصى دارد و بايد مورد حفاظت و آبادانى قرار گيرد.

9ـ مكان هاى مقدس

ـ همه افراد، مكان هاى مذهبى از قبيل امام زاده ها، مسجدها و حسينيه ها را مكان هاى مقدس و مورد احترام مى دانستند.

ـ هر مكانى كه متعلق به عموم باشد، مقدس است (19 نفر، 2/61 درصد).

ـ هر مكان عمومى كه داراى سرسبزى و آبادانى باشد، مقدس است (نه نفر، 3/29 درصد).

ـ علاوه بر موارد بالا، مكان هاى كسب علم و دانش نيز مقدس هستند (چهار نفر، 9/12 درصد).

ـ همه افراد اظهار داشتند، كه منابع طبيعى ثروت الهى و متعلق به همه انسان هاست (100 درصد).

ـ پنج نفر (16 درصد) از افراد مصاحبه شونده، كه از سطح سواد بالاترى نيز برخوردار بودند (متوسطه و عالى)، اعتقاد داشتند كه نه تنها انسان، بلكه همه موجودات زنده نسبت به منابع طبيعى، حق دارند.

نتيجه گيرى

با توجه به يافته ها، مى توان نتيجه گيرى هاى زير را به دست آورد:

1ـ حريم امام زاده ها با خارج از آن ها، از لحاظ كيفيت و روند مراتع تفاوت دارند و حريم امام زاده ها نسبت به خارج از آن ها وضعيت بهتر و مطلوب ترى دارند;

2ـ در حريم امام زاده نسبت به خارج از آن، گونه هاى بيشترى از درختان وجود دارد كه نشان دهنده اقدام افراد براى كاشت آن هاست;

3ـ ديدگاه مصاحبه شوندگان و كارشناسان در مورد تفاوت روند و كيفيت منابع طبيعى در داخل و خارج حريم امام زاده، بسيار با هم شباهت دارد;

4ـ درباره استفاده هاى گوناگون از مراتع و اهميت آن ها، روستاييان به وسيع ترين استفاده آن، يعنى محلى براى چراى دام ها توجه دارند و به موارد استفاده ديگر توجه چندانى ندارند، با اين كه موارد مختلفى در استفاده از مراتع بيان شد، به جز كاربرد مراتع براى تلطيف هوا و زيبايى، موارد اشاره شده ديگر، بسيار اندك است;

5ـ برداشت افراد در مورد وضعيت و روند كلى حاكم بر منابع طبيعى كشور، با واقعيت فاصله بسيارى دارد و بيشتر افراد تصور مى كنند كه وضعيت منابع طبيعى كشور، رضايت بخش و رو به بهبود است. اين در حالى است كه تبليغات وسيعى در مورد معايب و مضرات كمبود مراتع صورت مى گيرد;

6ـ تعداد قابل توجهى از مصاحبه شوندگان (2/61 درصد)، هر مكان عمومى را همانند امام زاده، مقدس مى دانستند، تعدادى از افراد، هر مكان سرسبز را مقدس و قابل احترام مى دانستند (3/29 درصد) و همه آن ها، منابع طبيعى را ثروت الهى و متعلق به همه انسان ها ذكر كردند. بنابراين، مى توان از اين نكته به اين نتيجه رسيد كه بُعد عمومى بودن منابع طبيعى نيز نزد مردم حايز اهميت است;

7ـ از دليل هاى گوناگون ذكر شده براى تفاوت رفتارى در داخل و خارج از حريم امام زاده، همان گونه كه در قسمت يافته ها مشاهده مى شود، ارزش قايل شدن براى امام زاده ها از لحاظ دينى است، كه باعث مى شود حريم امام زاده نسبت به خارج از آن براى مردم از اهميت و احترام بيشترى برخوردار باشد.

براى ترسيم رفتار مردم در هر يك از مقوله هاى بالا در حريم امام زاده ها مى توان به طور خلاصه و به شكل جدول زير اشاره كرد:

جدول 4: ارتباط بين ارزش ها و رفتار روستاييان نسبت به مراتع

بهره بردارى حفاظت احيا

ارزش ها و اعتقادات دينى ــ + +

رفتار ــ + ـ

( + ): موافق ( ــ ): مخالف

ارزش ها در جهت مخالفت با بهره بردارى از مراتع محدوده امام زاده بوده و رفتارها را نيز در جهت مخالفت با اين كار سوق داده اند. هم چنين، ارزش ها در جهت حفاظت از محدوده امام زاده ها بوده و رفتارها را نيز در اين جهت سوق داده اند. ولى درباره احياى محدوده امام زاده ها بايد گفت كه گرچه ارزش ها در راستاى احياى آن ها بوده اند، ولى به طور كامل به رفتارها در همين جهت منجر نشده اند. اين نتيجه گيرى كلى درباره چگونگى نقش ارزش ها در ساختار ديدگاه ها كه به رفتار منجر شده اند، در ذيل جدول 5 تشريح شده است.

با توجه به الگوى مورد استفاده در اين مطالعه و مطالب بالا، ارتباط ارزش هاى دينى را با ساختار ديدگاه ها بررسى مى كنيم. براى اين كه پاسخ هاى مصاحبه شوندگان به اجزاى ساختار ديدگاه آنان تفكيك شوند، با در نظر گرفتن تعريف ها، مفاهيم ذكر شده براى اجزاى ساختار ديدگاه ها به صورت زير ملاك قرار گرفتند:

ـ پاسخ هايى كه به انجام رفتارى مشخص يا انجام ندادن آن اشاره دارند در زمره رفتار قرار مى گيرند.

ـ پاسخ هايى كه با ترجيح عملى بر عمل ديگر همراه هستند، به تمايلات مربوط است.

ـ پاسخ هايى كه ديدگاه افراد را در مورد موضوعى خاص نشان مى دهند، به وجه نظر (نگرش) مربوط مى شوند.

ـ پاسخ هايى كه به احساس خاص مثل «ترس» اشاره دارند، جزء احساسات قرار مى گيرند.

ـ با توجه به ارتباط اجزاى ساختار ديدگاه ها، همان گونه كه در عمل هم مشاهده مى شود برخى از پاسخ ها به بيش از يك جزء اشاره دارند.

به عنوان مثال، شخصى در مورد كاشت نهال چنين پاسخ داده است: «بهتر است نهال را در حريم امام زاده بكاريم» كه به تمايل وى بر مى گردد. به دنبال آن اضافه مى كند «زيرا حريم امام زاده، محيط مقدس و مورد احترام است و بايد حرمت آن حفظ شود». اين پاسخ، نگرش او را نشان مى دهد.

ـ با توجه به اين كه يك موضوع خاص بايد ابتدا توسط فرد درك شود تا بر نگرش او تأثير گذارد و در الگوى ساختار ديدگاه نيز اين ارتباط نزديك مشاهده مى شود، نگرش و ادراك را در يك رديف قرار مى دهيم.

جدول پنج، نقش ارزش هاى دينى مصاحبه شوندگان بر ساختار ديدگاه آنان را نسبت به بهره بردارى، حفاظت و احياى مراتع نشان مى دهد.

جدول 5: ارتباط بين ارزش هاى دينى و ساختار ديدگاه روستاييان نسبت به مراتع

بهره بردارى حفاظت احيا

مصاديق فراوانى مجموع مصاديق فراوانى مجموع مصاديق فراوانى مجموع

ادراك و نگرش تقدس حريم امام زاده 21

29 تقدس حريم امام زاده 19

27 تقدس حريم امام زاده 20

29

عمومى بودن حريم امام زاده 8

عمومى بودن حريم امام زاده 8

عمومى بودن حريم امام زاده 9

احساسات ترس از گناه 5

6

ترس از گناه 4

7

ـــ ـــ ـــ

ترس ازعقوبت 1 ترس از عقوبت 3 ـــ ـــ ـــ

تمايلات ترجيح عدم قطع درختان در حريم امام زاده 3

3

بهتر است از ورود دام به حريم جلوگيري شود 12

12

ترجيح حريم امامزاده جهت كاشت نهال 29 29

رفتار عدم اقدام به قطع درختان 29

29

اقدام به جلوگيري از ورود دام به حريم امام زاده 19

19

اقدام به كاشت نهال در حريم امام زاده 8

8

اين جدول نشان مى دهد كه در امور بهره بردارى و حفاظت، ارزش ها بيشتر با ادراك و نگرش روستاييان ارتباط برقرار مى كنند. در مورد بهره بردارى، 29 نفر و در امر حفاظت، 19 نفر پاسخ هاى رفتارى نشان داده اند. اگر در امر حفاظت تعداد پاسخ هاى رفتارى كمتر است به اين دليل است كه پرسش مربوط به بهره بردارى (اقدام به قطع رستنى ها)، يك پرسش عمومى است. ولى در مورد حفاظت، با توجه به پرسش مورد نظر (جلوگيرى از ورود دام به حريم امام زاده)، تعدادى از افراد (12 نفر) ساكن محل هاى مورد نظر نبوده اند و عملاً در موقعيتى كه بتوانند اقدامات حفاظتى انجام بدهند، قرار نداشته اند.

در مقوله احيا، ارزش ها با ادراك / نگرش و تمايلات روستاييان مرتبط مى شوند. طبق الگوى ساختار ديدگاه ها، ارزش ها در زمره محرك ها قرار مى گيرند. اما همان گونه كه جدول نشان مى دهد، در مورد احياى مراتع، ارتباط ارزش ها با تمايل ها نيز بسيار زياد ولى با رفتار بسيار كم است.

برخلاف بهره بردارى و حفاظت كه ساختار ديدگاه ها به طور كامل تحت تأثير ارزش ها قرار مى گيرد و به رفتار منتهى شده اند، درباره احيا فقط تا مرحله تمايل ها پيشروى كرده، در سطح محدودى كه آن هم درخت كارى توسط خادمان در حريم امام زاده است به رفتار منجر شده اند.

با توجه به اين كه بسيارى از روستاييان در منازل شخصى اقدام به كاشت نهال كرده اند، چنين نتيجه گيرى مى شود كه آنان در زمينه احياى مكان هاى عمومى نظير حريم امام زاده ها اقدام چندانى نداشته اند. براى اين وضعيت، از عوامل بازدارنده اى نظير هزينه تهيه نهال و تمايل نداشتن به كارهايى كه مصالح عمومى را در بردارند، مى توان نام برد.

از طرف ديگر، در موقعيتى كه ارزش ها تعيين كننده باشند، بيشتر افراد مايل به كاشت نهال هستند; زيرا همان گونه كه ذكر شد، 29 نفر از مصاحبه شوندگان، براى كاشت نهال، حريم امام زاده را بر خارج آن ترجيح دادند.

هم چنين، با توجه به جدول 5، مشاهده مى شود كه در امر احيا، ارزش ها هيچ گونه ارتباطى با احساسات نداشته اند. اين مسأله با مفهوم «هوش عاطفى» قابل توضيح است. به عبارت ديگر، در امر احياى مراتع، ارزش ها نتوانسته اند هوش عاطفى افراد را به كار اندازند. بنا به تعريف ذكر شده در قسمت مفاهيم، هوش عاطفى مى تواند باعث تصميم معمولى و يا يك نوآورى درخشان شود.

از آن جا كه هوش با تفكر، ادراك و سرانجام نگرش افراد ارتباط پيدا مى كند، از اين رو عدم كاركرد هوش عاطفى را نيز مى توان يكى از عوامل مؤثر در عدم رفتار روستاييان در جهت احياى مراتع دانست.

پيشنهادات

1ـ با توجه به نقش ارزش ها در ادراك و نگرش روستاييان نسبت به مراتع، بايد در برنامه ريزى ها، آموزش ها و تبليغات روى اين ابعاد از ساختار ديدگاه افراد تأكيد شود و براى همسو كردن ادراك و نگرش آن ها با پايدارى مراتع بيشتر تلاش شود.

2ـ با توجه به اين كه تصور افراد در مورد وضعيت و روند حاكم بر مراتع با واقعيت فاصله بسيار دارد، براى آگاهى بهتر و دقيق تر همه افراد به خصوص روستاييان، رسانه هاى فردى و گروهى در سطوح محلى و ملى بايد به صورت جدى وظيفه آگاه سازى افراد را از روند رو به تخريب مراتع، اثر آن بر وضعيت زمين و زندگى بشر و نسل هاى آينده بر عهده گيرند. محتواى تبليغات علاوه بر جنبه هاى فنى، شامل ارزش هاى دينى مخاطبان نيز باشد. اين امر در رسانه هايى از قبيل راديو و تلويزيون كه سطح گسترده ترى را در بر مى گيرند، به خصوص تلويزيون كه مى تواند موارد عينى و مقايسه اى ارايه دهد، اهميت بيشترى دارد.

3ـ با توجه به اين كه تعداد قابل ملاحظه اى از مصاحبه شوندگان اعتقاد داشتند كه هر مكان عمومى و يا سرسبز مقدس است، لازم است كه در توصيه ها، آموزش ها و تبليغات دينى، بر احيا; به خصوص احيا و آبادانى محيط هاى عمومى توجه بيشترى شود. مردم بايد بيش از پيش متوجه شوند كه محيط زيست و مراتع، مكان هاى عمومى هستند و مشكلات مربوط به آن ها مى تواند دامن گير زندگى تمامى انسان ها شوند.

4ـ مبلغان مذهبى، در كنار ساير مسايل اعتقادى، مسايل مرتبط با محيط زيست، مراتع و روند حاكم بر آن ها را بگنجانند و در زمينه هاى مربوط به مراتع به خصوص احياى اين سرمايه هاى ملى و خدادادى، توصيه هاى دينى ارايه دهند. اين توصيه ها بايد عمدتاً متوجه ترغيب آنان باشد. براى مثال، ترغيب به دريافت پاداش اخروى درخت كارى در مكان هاى عمومى.

5ـ تعداد قابل توجهى از مصاحبه شوندگان اعتقاد داشته اند كه هر محيط عمومى مقدس است، و در اين ميان، كسانى كه تحصيلات بيشترى داشتند مراتع را دارايى عمومى و حتى متعلق به همه موجودات مى دانستند.

از اين رو بايد رسانه ها و اقشار مذكور سعى كنند در جامعه چنين فرهنگى را رواج دهند كه مراتع و محيط زيست، مكان هاى عمومى است و مانند مسجد، مدرسه و ساير مكان هاى عمومى، داراى ارزش و متعلق به همگان است و هرگونه تخريب در آن ها مى تواند بر زندگى همه انسان ها اثر منفى داشته باشد. بنابراين، حفاظت و نگه دارى از آن ها تكليف عمومى است.

بديهى است در اين باره بايد بر جنبه عمومى بودن مراتع، تأكيد شود. براى مثال، اثر مراتع روى تلطيف هوا، سلامت افراد، ايجاد شرايط مناسب براى زندگى و تأثير آن بر نسل آينده كه فرزندان نسل حاضر هستند، بايد منظور گردند.

6ـ با توجه به اين كه هوش عاطفى مى تواند در ادراك و نگرش افراد (روستاييان) مؤثر باشد، در هر كدام از امور حفاظت، بهره بردارى و به خصوص احيا، مى توان با تأكيد بر احساسات روستاييان، در جهت ترغيب آنان به رفتار مناسب نسبت به مراتع استفاده كرد. براى مثال، عواقب سوء تخريب مراتع و اثرات زيانبار آن و يا گناه و عقوبت اين عمل را به آنان يادآورى كرد.

7ـ به كارگيرى ارزش هاى دينى در حل معضلات و بحران هاى زيست محيطى كه جامعه بشرى با آن روبه رو است، اكنون در سطح بين المللى بسيار مورد توجه قرار گرفته است.

درباره منابع طبيعى نيز توصيه ها و رهنمودهاى جامعى در تمامى ابعاد، در دين اسلام وجود دارد كه براى مثال، در مجموعه مقالات اسلام و محيط زيست، برخى از آن ها ذكر شده اند. به جاست كه دانشمندان كشورهاى اسلامى در پژوهش ها و تحقيقات خود ديگر ابعاد منابع طبيعى و محيط زيست را با توجه به دين اسلام مورد توجه قرار دهند و براى تحقيقات در اين باره پيشقدم شوند. موضوع هايى از قبيل چگونگى استفاده از مذهب و اعتقادات در حل بحران هاى محيط زيست و منابع طبيعى در زمينه هاى حفاظت، بهره بردارى و احيا، به صورت جداگانه يا توأم، از اين قبيل هستند.

8ـ الگوى ترويجى و كاربردى توصيه هاى فوق الذكر در نگاره 2، نمايش داده شده است. اين الگو گوياى آن است كه ارزش هاى دينى بايد به نحوى به كار گرفته شوند كه تأثيرات آن ها بر ساختار ديدگاه ها به نحوى باشد كه براى هر يك از آن ها در الگو نشان داده است.

نگاره 2: الگوى ترويجى براى تحقق رويكرد دينى پايدارى مراتع براساس

برخى پرسش هاى مطرح شده در اين پژوهش عبارت اند از:

بهره بردارى

ـ آيا قطع درختان اطراف امام زاده سابقه دارد؟ شما چيزى به خاطر داريد؟

حفاظت

ـ آيا به دام هاى خود اجازه چرا در حريم امام زاده را مى دهيد؟ چرا؟

ـ آيا امام زاده مراقب هم دارد؟ اگر بله، چه كارهايى انجام مى دهد؟

احيا

ـ آيا تاكنون براى احياى درختان اطراف امام زاده، نهالى هم كاشته ايد؟

ـ كاشت يك اصله نهال در حريم امام زاده با بقيه نقاط روستا براى شما چه فرقى دارد؟ چرا؟

متفرقه

ـ سرسبزى اطراف امام زاده چه خواصى دارد؟

ـ محيط اطراف امام زاده با بقيه نقاط روستا براى شما چه فرقى دارد؟

ـ به نظر شما چه مكان هايى مقدس هستند؟

ـ به نظر شما مراتع چه استفاده هايى دارند؟

ـ روند وضعيت كلى حاكم بر مراتع كشور چگونه است؟

\* \* \*

معرفى امام زاده شهيد(ع)

نام: سيد امير بن علاءالدين حسن (امام زاده شهيد)

نام محلى: آقام شهيد

موقعيت: در 35 كيلومترى غرب فراشبند واقع است و 120 كيلومتر تا فيروزآباد در استان فارس فاصله دارد.

شجره نامه: در دسترس نيست.

شرايط اقليمى منطقه: گرم و خشك

وضعيت مراتع:

الف: گونه هاى گياهى حريم امام زاده:

1ـ اكاليپتوس; 2ـ بيد; 3ـ نخل (تيپ غالب);

4ـ ليمو ترش (تعداد محدود); 5ـ كنار; 6ـ گز شاهى (تعداد محدود).

ب: گونه هاى گياهى خارج از حريم:

كُنار، تنها گونه و تيپ غالب منطقه است كه خاص جنگل هاى گرم و خشك، با آب و هواى خليج عمانى است.

ج: روند حاكم بر مراتع در حريم امام زاده:

با توجه به شاخص هاى چراى گوسفندان و بهره بردارى انسان ها، رو به بهبود است.

د: روند حاكم بر مراتع خارج از حريم امام زاده:

با توجه به شاخص هاى فوق الذكر رو به افول است.

معرفى امام زاده سيد محمد(ع)

نام: امام زاده سيد محمد(ع)

نام محلى: سيد محمد(ع)

موقعيت: در 75 كيلومترى جنوب شرقى شهر اقليد، در استان فارس واقع است.

شجره نامه: نوه حضرت ابوالفضل(ع) ـ حضرت على(ع)

شرايط اقليمى منطقه: كوهستانى

وضعيت مراتع:

الف: گونه هاى گياهى حريم امام زاده:

1ـ آقاقيا; 2ـ گردو; 3ـ بيد (تيپ غالب).

ب: گونه هاى گياهى خارج از حريم:

شامل تيپ بوته اى «گون» است كه سراسر منطقه را پوشانده است.

ج: روند حاكم بر مراتع در حريم امام زاده:

با توجه به شاخص هاى چراى دام و بهره بردارى انسان، رو به بهبود است.

د: روند حاكم بر مراتع خارج از حريم امام زاده:

با توجه به شاخص هاى فوق الذكر رو به افول است.

معرفى امام زاده قاسم(ع)

نام: امام زاده قاسم(ع)

نام محلى: شاه قاسم(ع)

موقعيت: در روستاى گوشه، هشت كيلومترى غرب شهر ياسوج و در شهرستان بويراحمد واقع است.

شجره نامه: قاسم(ع) ـ ابراهيم(ع) ـ عبداللّه اعرج(ع) ـ حسين اصغر(ع) ـ امام زين العابدين(ع)

شرايط اقليمى منطقه: كوهستانى

وضعيت مراتع:

الف: گونه هاى گياهى حريم امام زاده:

1ـ گردو; 2ـ سيب; 3ـ چنار; 4ـ زردآلو; 5ـ بيد; 6ـ انجير.

ب: گونه هاى گياهى خارج از حريم:

شامل درختان بلوط است كه جنگل هاى آن خاص مناطق كوهستانى است.

ج: روند حاكم بر مراتع در حريم امام زاده:

با توجه به شاخص هاى چراى دام و بهره بردارى انسان، رو به بهبود است.

د: روند حاكم بر مراتع خارج از حريم:

با توجه به شاخص هاى فوق الذكر رو به افول است.

معرفى امام زاده حسن(ع)

نام: امام زاده حسن(ع)

نام محلى: شاه حسن(ع)

موقعيت: در روستاى مهريان، پنج كيلومترى شرق ياسوج و شهرستان بوير احمد واقع است.

شجره نامه: برادر امام زاده قاسم(ع) است.

شرايط اقليمى منطقه: كوهستانى

وضعيت مراتع:

الف: گونه هاى گياهى و علفى حريم امام زاده:

1ـ گردو; 2ـ بيد; 3ـ كاج 4ـ چمن.

ب: گونه هاى گياهى خارج از حريم امام زاده:

مانند مورد قبل، فقط شامل درختان بلوط (جنگل هاى بلوط) مى شود.

ج: روند حاكم بر مراتع در حريم امام زاده:

با توجه به شاخص هاى معرفى شده، رو به بهبود است.

د: روند حاكم بر مراتع خارج از حريم امام زاده:

با توجه به شاخص هاى فوق الذكر، رو به افول است.

پى نوشت :

[1]- دانشيار دانشكده كشاورزى دانشگاه شيراز.

[2]- دانشجوى دوره دكترى ترويج و آموزش كشاورزى دانشكده كشاورزى دانشگاه شيراز.

[3]- مبانى، مفاهيم و مطالعات دانش بومى كشاورزى، محمد اميرى اردكانى و منصور شاهولى، تهران، مركز تحقيقات و بررسى مسائل روستايى وزارت جهاد سازندگى، 1378.

[4]- Mather, 1994.

[5]- سير تحول نظريه هاى حفاظت منابع و رويكرد آن ها در قرن بيست و يكم، منصور شاهولى، مجموعه مقالات اولين سمينار علمى ـ كاربردى ترويج ماهيگيرى، تهران، معاونت صيد و صنايع شيلاتى اداره كل آموزش و ترويج، 1377.

[6]- «سير تحول نظريه هاى حفاظت خاك و رويكرد آن ها در قرن بيست ويكم»، منصور شاهولى وموسى كاظمى، فصلنامه روستا و توسعه، مركز تحقيقات و بررسى مسائل روستايى جهاد سازندگى، 1378.

[7]- UNEP (United Nations Environmental program).

[8]- «ارزش هاى معنوى اسلام بستر مناسبى براى حفظ محيط زيست جهان است»، روزنامه همشهرى، شماره 1703.

[9]- «راهكارهايى براى دستيابى به اخلاق زيست محيطى»، عمران حيدرى، روزنامه همشهرى، شماره 1863.

[10]- درك عميق كشاورزى، راهبردى براى جلوگيرى از فرسايش منابع در مديريت كشاورزى و مرتع دارى، منصور شاهولى، مجموعه مقالات اولين سمينار علمى ترويج منابع طبيعى، امور دام و آبزيان، معاونت ترويج و مشاركت هاى مردمى وزارت جهاد سازندگى، دفتر مطالعات و بررسى ها، 1377.

[11]- تأثير محيط زيست بر انسان از ديدگاه اسلام، سيد محمد شفيعى مازندرانى، مجموعه مقالات اسلام و محيط زيست، سازمان حفاظت محيط زيست، 1378.

[12]- «تحليلى بر اثرات عوامل زيستى (دام و انسان) روى مراتع كشور»، بهرام جبارلوى شبسترى، ماهنامه جهاد، سال سيزدهم، شماره 161.

[13]- مرتع و مرتع دارى، محمدرضا مقدم، دانشگاه تهران، 1377، ص 2.

[14]- Perception.

[15]- Sensation.

[16]- فرهنگ فارسى، محمد معين، اميركبير، 1378، ج 1.

[17]- روان شناسى عمومى، حمزه گنجى، دانشگاه پيام نور، 1377، ص 68.

[18]- «توجه به هوش عاطفى براى موفقيت در زندگى ضرورى است»، دانيل گلمن، ترجمه وحيدرضا نعيمى، روزنامه همشهرى، شماره 2226.

[19]- Interest.

[20]- بررسى روانشناختى تحول ارزش ها، محمد عبداللطيف خليفه، ترجمه سيدحسن سيدى، آستان قدس رضوى، 1378، ص 51 ـ 75.

[21]- Attitude.

[22]- مهارت هاى ارتباطى در خدمت توسعه روستايى، آيان مك دونالد و ديويد هيرل، ترجمه منصور شاهولى، معاونت ترويج و مشاركت مردمى وزارت جهاد سازندگى، دفتر مطالعات و بررسى ها، 1376، ص 7 ـ 10.

[23]- Values.

[24]- بررسى روانشناختى تحول ارزش ها، همان.

[25]- «مسائل اساسى منابع طبيعى از ديدگاه رئيس سازمان جنگل ها و مراتع كشور»، ماهنامه جهاد، سال دوازدهم، شماره 150، ص 6 ـ 9.

[26]- «اطلاعات پايه اى در مورد مناطبع طبيعى كشور»، ماهنامه جهاد، سال سيزدهم، شماره 161، ص 51 ـ 55.

[27]- همان.

[28]- «به دنبال توسعه پايدار مراتع»، مصطفى بهبهانى و بهنوش قاسمى، ماهنامه جهاد، سال شانزدهم، شماره 182 و 183، ص 76.

[29]- Gross likes.

[30]- Savana.

[31]- مرتع دارى در ايران، منصور مصداقى، مشهد، دانشگاه امام رضا، 1377، ص 15.

[32]- مراتع، مسائل و راه حل هاى آن در ايران، پرويز كردوانى، دانشگاه تهران، 1374، ص 77 ـ 80.

[33]- Haynes, 1995.

[34]- «به دنبال توسعه پايدار مراتع»، مصطفى بهبهانى و بهنوش قاسمى، همان.

[35]- «اطلاعات پايه اى در مورد منابع طبيعى كشور»، ماهنامه جهاد، سال سيزدهم، شماره 161، ص 51 ـ 55.

[36]- «به دنبال توسعه پايدار جنگل»، ماهنامه جهاد، سال شانزدهم، شماره 182 و 183، ص 87.

[37]- «جايگاه محيط زيست در برنامه ريزى توسعه»، حسن زنده دل، ماهنامه جهاد، سال سيزدهم، شماره 161، ص 42.

[38]- Developement.

[39]- Sustainable Development.

[40]- «درك عميق كشاورزى، راهبردى براى جلوگيرى از فرسايش منابع در مديريت كشاورزى و مرتع دارى»، منصور شاهولى، همان.

[41]- بسترسازى براى مشاركت در توسعه و حفاظت منابع طبيعى، منصور شاهولى، چكيده مقالات همايش منابع طبيعى، مشاركت و توسعه، انتشارات معاونت ترويج و مشاركت هاى مردمى جهاد سازندگى، 1378، ص 7.

[42]- همان.

[43]- «درك عميق كشاورز، راهبردى براى جلوگيرى از فرسايش منابع در مديريت كشاورزى»، منصور شاهولى، همان.

[44]- همان.

[45]- «نكات مهم بيانيه هزاره سازمان ملل براى محيط زيست»، روزنامه همشهرى، شماره2218، ص7.

[46]- سخنرانى فرانچسكو باستالى، هماهنگ كننده مقيم سازمان ملل متحد در جمهورى اسلامى ايران، اولين سمينار اسلام و محيط زيست، 1378.

[47]- «درك عميق كشاورز ...»، منصور شاهولى، همان.

[48]- Mind Mapping.

[49]- كارشناسان، شامل آقايان: مهندس صدوق و مهندس حيدرى در استان فارس و مهندس سى سختى در استان كهكيلويه و بويراحمد بوده اند، كه همگى جزء كارشناسان منابع طبيعى اند.